



روش شناسی مقابله با نفاق

در رفتار و گفتار های حضرت زهرا سلام الله علیها

سید علی تقوی

چکیده:

به گواه تاریخ ، امت اسلام بعد از شهادت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله آماج فتنه و اختلاف افکنی از سوی منافقین قرار گرفت. حرص و طمع بر سر جانشینی پیغمبر موجب شد تا منافقین وصی معین شده از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله را کنار زده و با قهر و غلبه کرسی حکومت را از آن خود کنند. آنها که تلاش می کردند این اقدام غاصبانه خود را مشروع و به نفع اسلام قلمداد کنند به یکباره با اقدامات غافلگیرانه یگانه دختر پیغمبر گرامی اسلام مواجه شدند. حضرت زهرا سلام الله علیها به عنوان تنها کسی که می توانست منافقین را رسوا کند در طی مدت کوتاه عمر شریف خود با عملکرد مناسب نفاق دستگاه حاکمیتی و غاصب بودن آن ها را بر همگان روشن ساخت و در راه این هدف مقدس که هدایت بشر تا قیامت را به دنبال داشت جان خود را فدا کرد. در این نوشتار به دنبال کشف اقدامات رفتاری و گفتاری فاطمه زهرا سلام الله علیها در مقابل منافقین به بررسی عملکرد آن حضرت در دو محور اقدامات رفتاری و گفتاری خواهیم پرداخت.

کلید واژه : نفاق ، منافق ، ولایت و امامت ، رفتار و گفتار

مقدمه:

پیامبر گرامی اسلام در طول رسالت خود بارها به جنگ و قتال با دشمنان اسلام چه در جبهه مشرکین و چه در جبهه اهل کتاب پرداخته است. اما به شهادت تاریخ هیچ گاه مامور به قتال با منافقین نشده است. چرا که پیچیدگی و ظاهر مقدس نمای این گروه اجازه نمیدهد تا قبل از رسیدن فرصت مناسب و بهانه ای محکمه پسند به مقابله با آنها پرداخت.

گروه منافقین که منتظر فرصتی مناسب برای عملیاتی کردن نقشه های خود بودند بعد از شهادت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله هدف پلید خود را آشکار و در طی عملیات های روانی همچون تهدید و ترعیب و از طرف دیگر حذف فیزیکی برخی مخالفین، حکومت را به نفع خود مصادره کردند اما چون بقاء خود را در حفظ رویکرد منافقانه خود می دیدند سعی نمودند تا به بهانه ی تقویت و حفظ اسلام حکومت غاصبانه خود را مشروع جلوه دهند.

از آنجا که این شروع ظالمانه می توانست بر اهداف بلند اسلام که هدایت بشر بر آن گره خورده بود خاتمه دهد، در این میان تنها کسی که می توانست با تکیه بر جایگاه عظیم خود در میان امت اسلام نفاق این جریان را آشکار و در تاریخ ثبت نماید و مسیر دیگری را که همان مسیر معین شده از جانب خدای متعال و معرفی شده توسط نبی اکرم بود را به همگان نشان دهد یگانه دختر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بود. او که بقاء اسلام و ادامه پیدا کردن هدایت در طول تاریخ بشر را در گرو رسوایی این جریان می دید از هیچ اقدامی در این مسیر دریغ ننمود و به عنوان اولین مدافع حریم ولایت با تدابیر بی نظیر خود که آثار آن تا به امروز هم باقی است سرخط را حق و هدایت را بدست داده است.

اقدامات رفتاری :

رفتن به خانه مهاجر و انصار:

یکی از شاخصه‌های رفتاری منافق بهانه جویی و بهانه تراشی است برای فرار از مسئولیت. شخص منافق اساساً اعتقادی به ارزش‌ها ندارد از این رو همیشه در صدد کناره‌گیری از پذیرفتن مسئولیت‌هایی است که برای او هزینه‌های جانی، مالی و اعتباری دارد. او برای کناره‌گیری خود سعی دارد بهترین توجیه و بهانه‌ها را بکار بگیرد، به همین جهت یکی از ویژگی‌های شاخص منافق که در روایات به آن اشاره شده است دروغ‌گویی او می‌باشد.

سکوت مرگبار حاکم بر مدینه بعد از جریان غصب خلافت حکایت از یک سستی و کوتاهی در احقاق حق اهل بیت علیهم السلام داشت. بهترین بهانه نزد این قشر این بود که امیر المومنین علیه السلام در جهت احقاق حق خود اقدامی نکرده و ما را به یاری نخوانده است از این رو تکلیفی بر عهده ما نمی‌باشد.

صدیقه طاهره سلام الله علیها طبق نقل تاریخ در شب‌های متعدد همراه امیر المومنین و حسنین علیهم السلام به در خانه مهاجر و انصار رفته و تخلف آنها از وصایت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مبنی بر جانشینی علی بن ابیطالب علیه السلام را به آنها گوشزد می‌کرد و از ایشان طلب یاری میکرد تا این عذر و بهانه را از دست منافقین برباید.

سلیم بن قیس نقل میکند:

فلما كان الليل حمل علي عليه السلام فاطمة عليها السلام علي حمار وأخذ بیدی ابنیه الحسن والحسين عليهما السلام، فلم يدع أحدا من أصحاب رسول الله صلى الله عليه وآله إلا أتاه في منزله، فناشدهم الله حقه ودعاهم إلى نصرته.

فما استجاب منهم رجل غيرنا الأربعة، فإننا حلقنا رؤوسنا وبذلنا له نصرتنا، وكان الزبير أشدنا بصيرة في

نصرته.^۱

^۱ سلیم بن قیس ، الأنصاری، محمد باقر جلد : ۱ صفحه : ۱۴۸

در گزارش دیگری آمده است که تنها از میان مهاجرین و انصار ۴ نفر به وعده خود وفا کردند:

فلما كان الليل حمل على عليه السلام فاطمة على حمار وأخذ بيد ابنه حسن وحسين فلم يدع أحدا من أهل بدر من المهاجرين ولا من الانصار إلا أتاه في منزله ، وذكره حقه ، ودعاه إلى نصرته ، فما استجاب له من جميعهم إلا أربعة وعشرون رجلا ، فأمرهم أن يصحبوا بكرة محلقين رؤسهم مع سلاحهم قد بايعوه على الموت ، فأصبح ولم يوافه منهم أحد غير أربعة

قلت لسلمان : من الاربعة؟ قال : أنا وأبوذر والمقداد والزبير بن العوام،

ثم أتاهم من الليل فناشدهم فقالوا : نصبحك بكرة فما منهم أحد وفي غيرنا ، ثم ليلة الثالثة فما وفي غيرنا فلما رأى على غدرهم وقلة وفائهم لزم بيته وأقبل على القرآن يؤلفه ويجمعه الخبر.^۲

شکوه های حضرت زهرا سلام الله عليها :

در فرهنگ شیعی گریه و بکاء در غالب توسل و انابه و استغاثه به خداوند متعال و معصومین علیهم السلام حکم یک سلاح جنگی را دارد که به وسیله آن مومن قادر است با دست خالی دشمن را شکست دهد.

امیر المومنین علیه السلام در دعای کمیل این سلاح را به ما یاد آوری و گوشزد می کند آنجا که می فرماید :

ارحم من راس ماله الرجا و سلاحه البكاء

صدیقه طاهره سلام الله عليها از همین حربه و سلاح برای شکست منافقین و و رسوایی آنها بهره برد .

تاریخ از گریه ها و شکوه های مستمر آن حضرت از بعد شهادت رسول خدا صلی الله علیه وآله در مواضع مختلف

خبر می دهد. که ما آنها را در سه محور ارائه می کنیم.

^۲ العلامة المجلسی ، بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث جلد : ۲۲ صفحه : ۳۲۹

گریه های دائمی:

امام صادق علیه السلام :

مَا زَالَتْ بَعْدَ أَبِيهَا مُعَصَّبَةَ الرَّأْسِ نَاحِلَةَ الْجِسْمِ مُنْهَدَّةَ الرُّكْنِ بَاكِيةَ الْعَيْنِ مُحْتَرقَةَ الْقَلْبِ...^۳

شکوه کناره قبر پدر:

وَدَخَلْتَ فَاطِمَةُ إِلَى الْمَسْجِدِ وَ طَافَتْ بِقَبْرِ أَبِيهَا وَ هِيَ تَبْكِي وَ تَقُولُ:

إِنَّا فَقَدْنَاكَ فَقَدْ الْأَرْضِ وَإِبْلَاهَا وَ اخْتَلَّ قَوْمُكَ فَاشْهَدْهُمْ وَ لَا تَغِبْ

قَدْ كَانَ بَعْدَكَ أَنْبَاءٌ وَ هُنْبَاءٌ لَوْ كُنْتَ شَاهِدَهَا لَمْ تَكْثُرِ الْخُطْبُ

قَدْ كَانَ جِبْرِيلُ بِالْآيَاتِ يُؤْنِسُنَا فَغَابَ عَنَّا وَ كُلُّ الْخَيْرِ مُحْتَجَبُ

وَ كُنْتَ بَدْرًا وَ نُورًا يَسْتَضَاءُ بِهِ عَلَيكَ تَنْزِيلُ مِنْ ذِي الْعِزَّةِ الْكُتُبُ

فَقَمَّصْتَنَا رِجَالًا وَ اسْتُخِفَّ بِنَا إِذْ غِيبْتَ عَنَّا فَنَحْنُ الْيَوْمَ نُعْتَصِبُ

فَكُلُّ أَهْلِ لَهُ قُرْبٌ وَ مَنْزِلَةٌ عِنْدَ الْإِلَهِ عَلَى الْأَذْنَيْنِ يَقْتَرِبُ

أَبَدْتُ رِجَالًا لَنَا فَحَوَى صُدُورِهِمْ لَمَّا مَضَيْتِ وَ حَالَتْ دُونَكَ الْكُتُبُ

فَقَدْ رُزِينَا بِمَا لَمْ يَرِزَاهُ [يَزْرَهُ] أَحَدٌ مِنَ الْبَرِيَّةِ لَا عَجَمٌ وَ لَا عَرَبُ

وَ قَدْ رُزِينَا بِهِ مُحَضًّا خَلِيقَتُهُ صَافِي الصَّرَائِبِ وَ الْأَعْرَاقِ وَ النَّسَبِ

فَأَنْتَ خَيْرُ عِبَادِ اللَّهِ كُلِّهِمْ وَ أَصْدَقُ النَّاسِ حِينَ الصَّدَقِ وَ الْكَذِبِ

فَسَوْفَ نَبْكِيكَ مَا عِشْنَا وَ مَا بَقِيتُ مِنَّا الْعُيُونُ بِهِمَّالٍ لَهَا سَكْبُ

^۳ علامه مجلسی ، بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۳، ص: ۱۸۱

سَيَعْلَمُ الْمُتَوَلَّى ظُلْمَ خَامَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنِّي [عَنَّا] كَيْفَ يَنْقَلِبُ؛

گریه بر سر مزار شهدای احد :

در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که؛

«...تَأْتِي قُبُورَ الشُّهَدَاءِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ مَرَّتَيْنِ الْإِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسَ فَتَقُولُ هَاهُنَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ

آلِهِ هَاهُنَا كَانَ الْمُشْرِكُونَ» °

همچنین در منابع اهل سنت نقل شده است :

أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظُ، ثنا أَبُو حُمَيْدٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ حَامِدٍ الْعَدْلِيُّ بِالطَّائِبَرَانِ، ثنا عُثْمَانُ بْنُ مُحَمَّدٍ،

ثنا أَبُو مُصْعَبٍ الزُّهْرِيُّ، حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي فُدَيْكٍ، أَخْبَرَنِي سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ،

عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ: أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ النَّبِيِّ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَتْ تَزُورُ قَبْرَ عَمِّهَا حَمْزَةَ

كُلَّ جُمُعَةٍ فَتُصَلِّي وَتَبْكِي عِنْدَهُ. ٦

گریه‌های آن بانو تا رسوایی و شکست منافقین ادامه پیدا کرد. این شکست آنجا معلوم شد که منافقین گلایه خود را از

آن حضرت به امیر المومنین علیه السلام بردند و گفتند به فاطمه بگو یا شب بگرید یا روز . به گونه ای که آن حضرت مجبور

می شوند سنگر مبارزه را از خانه به قبرستان بقیع منتقل کنند و در مرای و دیدگان عابرین به گریه های خود ادامه دهند . اما از

٤ قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج ۲، ص: ۱۵۸

٥ الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، ص: ۲۲۸

٦ البیهقی، أبو بکر، السنن الکبری نویسنده: جلد: ۴ صفحه: ۱۳۱

آنجا که این نحو گریه در ملا عام ممکن بود برای دستگاه حکومتی خسارت بیشتری را وارد نماید این بار با قطع سایبان آن حضرت خواستند ایشان را خلع سلاح کنند تا بیش از این رسوایی به بار نیاورد.

علیرغم تلاش منافقین و مانع تراشی های آنان، این گریستن ها ادامه یافت تا آنجا که سوالی بزرگ در ذهن مردم مدینه رقم بزند و امت با رهگیری پاسخ این سوال به نتیجه ای که فاطمه سلام الله علیها انرا دنبال می کرد برسند.

پرسشگری محمود بن لبید در قبرستان بقیع و اسماء بنت عمیس در عیادت از آن حضرت، نمونه ای از پیروزی فاطمه سلام الله علیها بر منافقین در این محور می باشد که تنها با سلاح گریه رقم خورد.

مقابله با مهاجمان به بیت :

منافقین مدینه بعد از غصب خلافت به دنبال همراه کردن شخصیت های با نفوذ و سرشناس در میان صحابی رسول خدا بودند تا به واسطه اعتبار آنها برای حکوت غاصبانه خود ارزش و اعتبار بخرند.

به طور طبیعی عدم بیعت امیرالمومنین علیه السلام به عنوان تنها مدعی بحق این منصب می توانست برای جایگاه آنها بین امت خطرساز باشد ازاین رو یا باید آن حضرت را از سر راه خود به طور کلی حذف کنند و یا آنکه به اجبار هم شده از او بیعت بستانند.

در همین راستا طبق نقل تاریخ جریان حاکمیتی بارها به بیت فاطمه زهرا سلام الله علیها هجوم آورده و بعد از تهدید اهل خانه به احراق بیت در صورت عدم بیعت به این هدف گستاخانه خود جامه عمل نیز پوشاندند.

خطر مهمی که در این میان امت اسلامی را در طول تاریخ تهدید می کرد این بود که این عمل شنیع به اسم اسلام و دفاع از انحراف در امت پیغمبر از سوی منافقین داشت شکل می گرفت. در واقع شاخصه اصلی منافق همین است که جنایت های خود را در یک قالب ارزشی می ریزد و با نقاب دین ذره ذره ارکان دین را موریانه وار میجوید. منافقین مدینه به دنبال این بودند که این عمل خود را یک عمل وجیه و لازم که نتیجه آن در مجموع به نفع اسلام رقم می خورد نشان دهند.

این هدف از سخنان مهاجمین کاملاً قابل اثبات است.

چنانچه انسب الاشراف بلاذری نقل می‌کند که وقتی یگانه دختر رسول خدا در مقابل مهاجمین قرار گرفت، سردهسته

آنها را خطاب قرار داد و پرسید: **يا بن الخطاب، أتراک محرقاً علی بابی؟**

او در پاسخ گفت: **نعم، و ذلک أقوى فیما جاء به أبوک...^۷**

این کار سبب تقویت آنچه پدر تو برای آن مبعوث شد می‌باشد.

این عبارت گویای این مطلب است که منافقین از بار سنگینی که هجوم بر بیت وحی روی دوش آنها می‌گذارد کاملاً

خبر داشتند لذا تقویت بعثت پیغمبر اکرم را بهانه کرده و با این توجیه تهدید خود را عملی کردند.

حضرت زهرا سلام الله علیها این بار نیز برای آنکه چهره منافقانه مهاجمین را رسوا کند، پا به میدان جنگ نهاد و این

بار از جان خود و فرزند در رحم خودگذشت تا هم موضع خود را در این نزاع به همگان اعلام کند و هم عدم اعتقاد و التزام

جریان حاکمیتی به فرمایشات پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله را اثبات نمایند.

چرا که رسول خدا بارها به جایگاه رفیع بیت فاطمه سلام الله علیها و اهل آن خانه بالخصوص یگانه دختر خود نزد

خداوند متعال و گره خوردن غضب و رضایت او به رضایت خدا و رسولش تاکید کرده بودند.

واضح است که تهدید و ترعیب به تنهایی مستوجب غضب آن حضرت و به دنبال آن خرید سخط الهی برای انسان

می‌باشد چه برسد به آنکه درب خانه ای را که اهل آن مصداق ایه تطهیر می‌باشد به آتش کشیده شود.

در برخی از گزارشات تاریخی منابع اهل سنت تنها به تهدید اهل خانه به آتش زدن آن و در مقابل ایستادگی فاطمه

زهرا در برابر مهاجمین اشاره شده است به عنوان نمونه:

^۷ البلاذری، أنساب الأشراف نویسنده: ج: ۱ ص: ۵۸۶

احمد بن يحيى جابر بغدادى بلاذرى (متوفى ٢٧٠) نویسنده معروف و این واقعه تاریخی را در کتاب «انساب

الاشراف» بدین شکل نقل می‌کند.

«انّ أبابكر أرسل إلى على يريد البيعة فلم يبايع، فجاء عمر و معه فتيلة! فتلقته فاطمة على الباب. فقالت

فاطمة: يا بن الخطاب، أتراك محرقاً على بابي؟ قال: نعم، و ذلك أقوى فيما جاء به أبوك...»^٨

همچنین شهاب الدین احمد معروف به «ابن عبد ربه اندلسی» متوفای (٤٦٣ هـ) در کتاب «العقد الفريد» چنین

می‌نویسد:

«فأمّا على و العباس و الزبير فقعدوا فى بيت فاطمة حتى بعثت إليهم أبوبكر، عمر بن الخطاب ليُخرجهم

من بيت فاطمة و قال له: إن أبوا فقاتلهم، فاقبل بقبس من نار أن يُضرم عليهم الدار، فلقيته فاطمة فقال: يا ابن الخطاب

أجئت لتحرق دارنا؟! قال: نعم، أو تدخلوا فيما دخلت فيه الأمة!»^٩

ابن قتیبه نیز دنباله این داستان را سوزناکتر نقل میکند، او در الامامه و السياسة خود مینویسد:

«ثمّ قام عمر فمشى معه جماعة حتى أتوا فاطمة فدقوا الباب فلما سمعت أصواتهم نادت بأعلى صوتها يا

أبتاه رسول الله ماذا لقينا بعدك من ابن الخطاب، و ابن أبى قحافة فلما سمع القوم صوتها و بكائها انصرفوا. و بقى

عمر و معه قوم فأخرجوا علياً فمضوا به إلى أبى بكر فقالوا له بايع، فقال: إن أنا لم أفعل فمه؟ فقالوا: إذا و الله الذى

لا إله إلا هو نضرب عنقك...!»^{١٠}

^٨ البلاذرى، أنساب الأشراف ج: ١ ص: ٥٨٦

^٩ ابن عبد ربه الأندلسى، العقد الفريد، ج: ٥ ص: ١٣

^{١٠} ابن قتيبة الدينورى، الإمامة والسياسة (بيروت)، ج ١، ص ٣٠

آنچه تا به اینجا از منابع اهل سنت به اثبات رسید تنها تهدید به هجوم می باشد اما منابع دیگری از عملی شدن این تهدیدات نیز خبر می دهد.

ابن عبد ربه در عقد الفرید:

« وددت انّی لم أکشف بیت فاطمة و ترکته و ان اغلق علی الحرب »^{۱۱}

مسعودی در مروج الذهب:

فوددت انّی لم أکن فتشت بیت فاطمة و ذکر فی ذلك کلاماً کثیراً! »^{۱۲}

« أمّا الثلاث اللائی وددت أني لم أفعلنّ، فوددت انّی لم أکن أکشف بیت فاطمة و ترکته. »^{۱۳}

همین مقدار جنایت کافی است تا حکم به نفاق و کفر کسانی کنیم که اینگونه بر بیت وحی بی مهابا تاختند و حریم کسی را شکستند که غضب او آتش غضب خدا را شعله ور میکرد. اما چه میشود کرد وقتی گزارشات تاریخی از جنایت های فجیعی خبر می دهد که چشم روزگار باید بر آن خون بگرید. گویا یگانه دختر رسول خدا برای رسوا کردن چهره سیاه منافقین این بار باید به خون بنشیند و چون شمعی بسوز تا مسیر هدایت را برای ما روشن کند

^{۱۱} ابن عبد ربه الأندلسی، العقد الفرید، ج: ۵ ص: ۲۱

^{۱۲} المسعودی، مروج الذهب ومعادن الجوهر، ج: ۲، ص: ۳۰۱

^{۱۳} الطبرانی، المعجم الکبیر، ج: ۱ ص: ۶۲

ما نیز در این مقاله به حسب رسالتی که دنبال می‌کنیم در راستای اقدامات رفتاری حضرت زهرا سلام الله علیها به گوشه ای از مصائب آن حضرت که در این محور متحمل شدند اشاره می‌کنیم تا خواننده محترم با اوج فداکاری و جانفشانی آن حضرت به جهت رسوا نمودن باطن پلید و شیطانی منافقین آشنا شود.

آمدن پشت در و برخورد با مهاجمین :

«انّ أبابکر أرسل إلى علی يريد البيعة فلم يبايع، فجاء عمر و معه فتيلة! فتلقته فاطمة على الباب. فقالت فاطمة: يابن الخطاب، أترك محرقاً علی بابي؟ قال: نعم، و ذلك أقوى فيما جاء به أبوك...»^{۱۴}

{ قال عمر لفاطمة الزهراء سلام الله عليها { فَأَخْتَارِي إِنْ شِئْتَ خُرُوجَهُ لِبَيْعَةِ أَبِي بَكْرٍ أَوْ إِخْرَاقَكُمْ جَمِيعاً قَالَتْ وَ هِيَ بَاكِئَةٌ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ نَشْكُو فَقَدْ نَبِيكَ وَ رَسُولُكَ وَ صَفِيكَ وَ اِزْدَادَ أُمَّتِهِ عَلَيْنَا وَ مَنَعَهُمْ إِيَّانَا حَقَّقْنَا الَّذِي جَعَلْتَهُ لَنَا فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلَى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ^{۱۵}

قرار گرفتن بین در و دیوار :

عصروها وراء الباب، فألقت ما في بطنها، من سماه رسول الله صلى الله عليه وآله محسناً^{۱۶}

نویسنده کتاب الصراط المستقیم از بلاذری سنی مذهب نقل می‌کند:

^{۱۴} البلاذری، أنساب الأشراف ج: ۱ ص: ۵۸۶

^{۱۵} بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج: ۵۳، ص: ۱۹

^{۱۶} العاملي، جعفر مرتضى، مأساة الزهراء عليها السلام، ج: ۲ ص: ۱۴۲

ومنها: ما رواه البلاذري واشتهر في الشيعة أنه حصر فاطمة في الباب حتى أسقطت محسنا مع علم كل أحد بقول أبيها لها: فاطمة بضعة مني من أذاها فقد آذاني.^{١٧}

فركلت الباب، وقد ألصقت أحشاءها بالباب تترسه.. إلى أن قال: فدفعت الباب فدخلت، فأقبلت إلى بوجه غشي بصري^{١٨}

قرار گرفتن در میان آتش :

فَسَقَطْتُ لِوَجْهِهِ وَ النَّارُ تُسَعِّرُ وَ تَسْفَعُ وَجْهِهِ^{١٩}

آتش زدن درب بیت فاطمه سلام الله عليها در منابع اهل سنت نیز آمده است

فوجهوا إلى منزله فهاجموا عليه ، وأحرقوا بابه ، واستخرجوه منه كرها^{٢٠}

تحمل جراحت های شدید:

... إن عمر ضرب بطن فاطمة^{٢١}...

^{١٧} العاملي، علي بن يونس ، الصراط المستقيم ، ج: ٣ ص: ١٢

^{١٨} العاملي، جعفر مرتضى ، مأساة الزهراء عليها السلام ، ج: ١ ص: ٣١٨ / العلامة المجلسي ، بحار الأنوار - ط دارالاحياء التراث ، ج: ٣٠ ص: ٢٩٤

^{١٩} خصبی، حسین بن حمدان ، الهداية الكبرى، ص: ١٧٩ / علامه مجلسی ، بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ٣٠، ص: ٣٤٩

^{٢٠} إثبات الوصية للإمام علي بن أبي طالب، المسعودي، ص ١٤٦

^{٢١} صلاح الدين خليل بن أيبك بن عبد الله الصفدي ، الوافي بالوفيات ، ج ٦، ص ١٥

... و نبت مسمار الباب في صدرها...^{٢٢}

...فَصَفَّقْتُ صَفْقَةً عَلَى خَدَيْهَا مِنْ ظَاهِرِ الْخِمَارِ فَأَنْقَطَعَ قُرْطُهَا وَتَنَاثَرَتْ إِلَى الْأَرْضِ....^{٢٣}

... فَضَرَبْتُ كَفَّيْهَا بِالسَّوْطِ فَأَلَمَهَا، فَسَمِعْتُ لَهَا زَفِيرًا وَبُكَاءً....^{٢٤}

...فَرَفَعَ السَّيْفَ وَهُوَ فِي غِمْدِهِ فَوَجَأَ بِهِ جَنْبَهَا فَصَرَخَتْ فَرَفَعَ السَّوْطَ فَضَرَبَ بِهِ ذِرَاعَهَا فَصَاحَتْ يَا أَبَتَاهُ^{٢٥}

فدا کردن فرزند خود:

«...إن عمر ضرب بطن فاطمة يوم لبيعة حتى ألقت المحسن من بطنها...»^{٢٦}

... وضغطوا سيده النساء بالباب حتى أسقطت (محسنا)^{٢٧}

«إن عمر رفس فاطمة حتى أسقطت بمحسن»^{٢٨}

^{٢٢} بحراني اصفهاني، عبد الله بن نور الله، عوالم العلوم والمعارف والأحوال من الآيات والأخبار والأقوال، ج ١١-قسم ٢-فاطمة سلام الله عليها، ص:

^{٢٣} بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ٣٠، ص: ٢٩٤

^{٢٤} بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ٣٠، ص: ٢٩٣

^{٢٥} كتاب سليم بن قيس الهلالي، ج ٢، ص: ٨٦٤

^{٢٦} صلاح الدين خليل بن أيبك بن عبد الله الصفدي، الوافي بالوفيات، ج ٦، ص ١٥

^{٢٧} إثبات الوصية للإمام علي بن أبي طالب، المسعودي، ص ١٤٦

^{٢٨} شمس الدين، الذهبي، ميزان الاعتدال، ج ١، ص ١٣٩:

فریاد و استغاثه :

به عنوان نمونه در عبارت ابن قتیبہ گذشت که :

... حتى أتوا فاطمة فدقوا الباب فلمّا سمعت أصواتهم نادى بأعلى صوتها يا أبتاه رسول الله ماذا لقينا بعدك

من ابن الخطاب^{۲۹}

... فَنادَتْ وَابْتَاهَ وَرَسُولَ اللَّهِ يَا أَبَتَاهُ فَلَيْسَ مَا خَلَفَكَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ وَعُمَرُ يَقُولُ إِنَّا لَسْنَا مِنَ النِّسَاءِ وَ

رَأَيْهِنَّ فِي شَيْءٍ^{۳۰}

قهر و غضب :

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بارها امت را از قهر و غضب یگانه دختر خود بر حذر داشته اند به گونه ای که قهر و

غضب فاطمه را قهر و غضب خود و خدا و اذیت ایشان را به طور کلی مساوی با اذیت و آزار خود و خداوند متعال معرفی

نموده اند.^{۳۱}

احادیث زیادی در منابع فریقین وجود دارد که بر این مضمون دلالت دارد که در جای خود جداگانه به آن می‌پردازیم

^{۲۹} ابن قتیبہ الدینوری، الإمامة والسیاسة (بیروت)، ج ۱، ص ۳۰

^{۳۰} کتاب سلیم بن قیس الہلالی، ج ۲، ص: ۵۸۷

^{۳۱} أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، فَمَنْ أَعْصَبَهَا أُغْصَبْتُ» البخاری / صحیح البخاری: ج: ۵ ص: ۲۱

حضرت زهرا سلام الله عليها با تکیه بر این احادیث قهر و غضب خود را از منافقین بارها در مواضع مختلف ابراز کرده و از هر فرصتی برای نشان دادن این مسئله استفاده کردند تا بدین وسیله پرده از چهره‌ی واقعی دستگاه حاکمیتی بردارند. ما در این نوشتار به برخی از آنها اشاره می‌کنیم :

در جریان غضب فدک

اولین موضعی که طبق نقل تاریخ حضرت زهرا اشکارا غضب و قهر خود را ابراز نمودند در جریان غضب فدک است. به نقل ابن حبان حضرت زهرا سام الله عليها بعد از غضب فدک تا آخر عمر شریف خود با ابوبکر کلمه‌ای حرف نزدند.

« فَأَبَى أَبُو بَكْرٍ أَنْ يَدْفَعَ إِلَيَّ فَاطِمَةَ مِنْهَا شَيْئًا، فَوَجَدْتُ فَاطِمَةَ، عَلَى أَبِي بَكْرٍ مِنْ ذَلِكَ، فَهَجَرْتُهُ فَلَمْ تُكَلِّمْنِي، حَتَّى تُؤْفَيْتِ »^{۳۲}

فَقَالَ لَهَا أَبُو بَكْرٍ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: « لَا نُورْثُ، مَا تَرَكَنَا صَدَقَةً »، فَغَضِبْتُ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَهَجَرْتُ أَبَا بَكْرٍ، فَلَمْ تَزَلْ مُهَاجِرَتُهُ حَتَّى تُؤْفَيْتِ^{۳۳}

^{۳۲} ابن حبان، صحیح ابن حبان ج: ۱۱ ص: ۱۵۳

^{۳۳} نام کتاب: صحیح البخاری نویسنده: البخاری جلد: ۴ صفحه: ۷۹

عیادت سیاسی مهاجمان جنایتکار

اگرچه دستگاه حاکمیتی در پشت پرده این عیادت می‌خواستند اهداف سیاسی خود را جلو ببرند ولی فاطمه زهرا سلام

الله علیها به گونه ای از این موقعیت علیه آنها استفاده کرد که جز پشیمانی برای آنها ثمره ای نداشت.

اقدامات فاطمه زهرا در جریان عیادت

راه ندادن منافقین به خانه :

فاستئذنا علی فاطمة فلم تأذن لهما

رو گرداندن از منافقین:

فلما قعدا عندها حولت وجهها الى الحائط

ندادن جواب سلام :

فسلما علیها فلم ترد علیهما السلام.

احتجاج حضرت زهرا سلام الله علیها با آن دو نفر و رسوایی آنها:

نشدتكما الله ألم تسمعا رسول الله يقول :

رضی فاطمة من رضای ، وسخط فاطمة من سخطی

فمن أحب فاطمة أبتی فقد أحبنی ، ومن أرضی فاطمة فقد ارضانی ، ومن أسخط فاطمة فقد أسخطنی

قالا : نعم سمعانه من رسول الله (صلی الله علیه و آله)

قالت : فانی أشهد الله وملائکته إنكما أسخطتمانی وما ارضیتمانی ، ولئن لقیته النبی لأشکونكما إلیه.

فقال أبو بكر : انا عائد بالله تعالى من سخطه وسخطك يا فاطمة ، ثم انتحب أبو بكر يبکی ...

نفرین آن دو نفر:

حتى كادت نفسه ان تزهد ، وهي تقول : والله لا دعون عليك في كل صلاة اصليتها^{۳۴}

گفتگو هرگز :

فَقَالَتْ وَلَا أَكَلُمُهُمَا كَلِمَةً مِنْ رَأْسِي حَتَّى أَلْقَى أَبِي فَأَشْكُوهُمَا إِلَيْهِ بِمَا صَنَعَاهُ وَازْتَكَبَاهُ مِنِّي.^{۳۵}

علاوه بر محور های رفتاری حضرت زهرا سلام الله عليها که ذکر شد اعتراف خود عیادت کنندگان بر اینکه فاطمه

سلام الله عليها را به غضب درآوردیم برای ما کافی است.

فقال عمر لأبي بكر رضي الله عنهما : أنطلق بنا الى فاطمة فانا قد أغضبناها^{۳۶}

^{۳۴} ابن قتیبة الدینوری ، الإمامة والسیاسة (بیروت) ، ج ۱ ، ص ۳۱ / الموسوی الهندی ، السید ناصر حسین ، افحام الأعداء والخصوم جلد : ۱ صفحه :

^{۳۵} علل الشرائع ، ج ۱ ، ص : ۱۸۶

^{۳۶} ابن قتیبة الدینوری ، الإمامة والسیاسة (بیروت) ، ج ۱ ، ص ۳۱

وصیت :

وصیت فاطمی نیز تنها یک وصیت نبود بلکه آن حضرت با وصیتش مقدمات هدایت بشر به راه مستقیم و بیرون راندن آنها از تاریکی را رقم میزد. این وصیت به عنوان یک سند مکتوب مهره ی با ارزشی را از دست غاصبین منافق گرفت تا نتواند خیانت های خود را بعد از شهادت آن حضرت با حضور در تشیع جنازه ایشان مخفی کنند.

چراکه صدیقه طاهره در وصیت خود به طور آشکارا حضور منافقین را در تشیع خود ممنوع اعلام کردند.

برخی از گزارشات تاریخی و روایی از وصیت فاطمی :

..وَأَوْصَتْ إِلَى عَلَى بِثَلَاثٍ وَأَنْ لَا يَشْهَدَ أَحَدٌ جَنَازَتَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا وَأَنْ لَا يَتْرُكَ أَنْ يَصَلِّيَ عَلَيْهَا أَحَدٌ

مِنْهُمْ.^{۳۷}

...أَنَّ فَاطِمَةَ لَمَّا حَضَرَتْهَا الْوَفَاةُ أَوْصَتْ عَلِيًّا أَنْ لَا يَصَلِّيَ عَلَيْهَا أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ فَعَمِلَ بِوَصِيَّتِهَا.^{۳۸}

ابن عباس نقل می کند:

...أَوْصَتْ فَاطِمَةُ أَنْ لَا يَعْلَمَ إِذَا مَاتَتْ أَبُو بَكْرٍ وَ لَا عُمَرُ وَ لَا يَصَلِّيَا عَلَيْهَا قَالَ فَدَفَنَهَا عَلَى عَ لِيًّا وَ لَمْ يَعْلَمْهُمَا

بِذَلِكَ.^{۳۹}

امیر المومنین علیه السلام در جواب اصبع بن نباته وقتی علت دفن شبانه فاطمه سلام الله علیها را جویا شد فرمودند:

^{۳۷} بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۳، ص: ۱۸۲

^{۳۸} همان

^{۳۹} همان

فَقَالَ إِنَّهَا كَانَتْ سَاخِطَةً عَلَى قَوْمٍ كَرِهَتْ حُضُورَهُمْ جِنَازَتَهَا وَ حَرَامٌ عَلَى مَنْ يَتَوَلَّاهُمْ أَنْ يَصَلَّى عَلَى أَحَدٍ مِنْ
وُلْدِهَا.^{٤٠}

قبر مخفی :

روز بعد از دفن شبانه، حضرت زهرا سلام الله عليها از شاهکار اقدامات خود رونمایی میکند و آن وقتی است که
دستگاه حاکمیتی با قبر مخفی فاطمه سلام الله عليها مواجه می شوند و متحیر از تدبیر غافلگیر کننده ی آن حضرت
در پی پیدا کردن قبر ایشان دست و پا می زنند.

تاثیر عملی این اقدام نه تنها در صدر اسلام بلکه به وسعت تاریخ می تواند مفید باشد. این قبر در عین حال که پنهان
است اما در واقع یک علامت سوال آشکاری است که اگر حق جویی دنبال پاسخ آن بگردد جواب آن را در رسوایی منافقین
و غاصبین خلافت پیدا می کند.

از آنجا که مخفی بودن قبر یگانه دختر نبی مکرم اسلام نیاز به دلیل ندارد و مثل روز روشن است ما در این بخش
فقط به شواهدی از تاریخ و روایات که گواه بر این تدبیر بی نظیر فاطمه زهرا سلام الله عليها میباشد اشاره می کنیم.

عَنِ الزُّهْرِيِّ أَنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ دُفِنَتْ لَيْلًا وَ عَنْهُ فِي هَذَا الْكِتَابِ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ
لِيَهُمَا السَّلَامُ دَفَنُوهَا لَيْلًا وَ غَيَّبُوا قَبْرَهَا.^{٤١}

^{٤٠} بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ٤٣، ص: ١٨٣

^{٤١} بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ٤٣، ص: ١٨٣

اقدامات گفتاری :

اعلام نارضایتی :

سفارشات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به یگانه دختر خود فاطمه زهرا سلام الله علیها مسئله ای است روشن به نحوی که در جهان اسلام احدی نمی تواند آن را انکار کند.

پاره تن خود خواندن فاطمه سلام الله علیها، رضایت و غضب او را گره زدن به رضایت و غضب خود و خدای متعال ، اذیت فاطمه را مساوی دانستن با اذیت خود و به دنبال آن اذیت خدای متعال، گوشه ای است از سفارشات نبوی است که در منابع فریقین فراوان یافت می شود.

بخشی از این سفارشات عبارت اند از:

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، فَمَنْ أَغْضَبَهَا أَغْضَبَنِي»^{۴۲}

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي يُؤْذِنِي مَا آذَاهَا»^{۴۳}

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِفَاطِمَةَ: «إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِعُصْبِكَ وَيَرْضَى لِرِضَاكَ»^{۴۴}

وقال رسول الله (صلى الله عليه وآله): " فاطمة بضعة مني من آذاها فقد آذاني ومن آذاني فقد آذى الله ومن

آذى الله أكبه الله في النار "^{۴۵}

^{۴۲} نام کتاب : صحیح البخاری نویسنده : البخاری جلد : ۵ صفحه : ۲۱

^{۴۳} نام کتاب : صحیح مسلم نویسنده : مسلم جلد : ۴ صفحه : ۱۹۰۳

^{۴۴} نام کتاب : المعجم الکبیر نویسنده : الطبرانی جلد : ۲۲ صفحه : ۴۰۱

^{۴۵} نام کتاب : عوالی اللثالی نویسنده : ابن أبی جمهور جلد : ۴ صفحه : ۹۳

وعن جابر بن عبد الله قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ان فاطمة عليها السلام شعرة منى فمن آذى شعرة منى فقد آذانى ومن آذانى فقد آذى الله ومن آذى الله لعنه ملاء السماوات والأرض.^{٤٦}

لازم به ذکر است علامه امینی رحمه الله در صفحه ۲۳۲ از جلد هفتم کتاب الغدير، نام ۵۰ تن از علمای اهل سنت را ذکر کرده اند که این حدیث را در کتاب های خویش آورده اند.

عاقبت اذیت کنندگان پیغمبر صلی الله علیه و آله:

خداوند متعال نیز در کتاب آسمانی خود عاقبت اذیت کنندگان پیغمبرش را اینگونه بیان میکند:

لعنت خداوند

لعنت خدا در دنیا و آخرت شامل آزاردهندگان پیامبر صلی الله علیه و آله:

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ^{٤٧}

عذاب الهی

عذاب الیم در انتظار اذیت کنندگان محمد صلی الله علیه و آله:

وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ ... وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.^{٤٨}

^{٤٦} نام کتاب: کشف الغمّة نويسنده: ابن أبي الفتح الإربلي جلد: ۲ صفحه: ۹۵

^{٤٧} احزاب / ۵۷

^{٤٨} توبه / ۶۱

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ... وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا.^{٤٩}

حال که حکم اذیت کنندگان حضرت زهرا سلام الله علیها روشن شد باید گفت آن بانوی دوعالم بارها بر عدم رضایت و غضب خود نسبت به دستگاه حاکمیتی تصریح کرده اند به گونه ای که علی رغم سانسور شدید منابع اهل سنت از جنایات صورت گرفته نسبت به آن حضرت توسط غاصبین، این مسئله را نتوانسته اند مخفی کنند. چنانچه در معتبر ترین منابع اهل سنت یعنی صحیح بخاری آمده است که حضرت زهرا سلام الله علیها از ابابکر غضبناک شد به حدی که تا آخرین روز عمر شریف خود با او سخن نگفت:

فَغَضِبْتُ فَاطِمَةَ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَهَجَرْتُ أَبَا بَكْرٍ، فَلَمْ تَزَلْ مُهَاجِرَتَهُ حَتَّى تُوفِّيَتْ^{٥٠}

ابن قتیبہ نیز نقل می کند که حضرت زهرا سلام الله علیها خطاب به آن دونفر فرمود:

قالت : فَإِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ أَنْكُمْ أَسْخَطْتُمَانِي وَمَا أَرْضَيْتُمَانِي ، وَلئن لَقِيتُ النَّبِيَّ لَأَشْكُونَكُمَا إِلَيْهِ^{٥١}

ابن ابی الحدید معتزلی بر اساس همین روایات تصریح می کند:

و الصحيح عندي أنها ماتت وهي واجدة على أبي بكر وعمر وأنها أوصت ألا يصلوا عليها....^{٥٢}

^{٤٩} احزاب / ٥٧

^{٥٠} نام کتاب : صحیح البخاری نویسنده : البخاری جلد : ٤ صفحه : ٧٩

^{٥١} الامامة والسياسة، ج ١، ابن قتیبہ الدینوری (تحقیق الشیری)، ص ٣١

^{٥٢} نام کتاب : شرح نهج البلاغة نویسنده : ابن ابی الحدید جلد : ٦ صفحه : ٥٠

لا والله لا أرضى عنكما أبدا حتى ألقى أبي رسول الله وأخبره بما صنعتما، فيكون هو الحاكم فيكما).

قال: فعند ذلك دعا أبو بكر بالويل والشور وجزع جزعا شديدا.^{۵۳}

احقاق حق در ماجرای فدک

ماجرای غصب فدک از سوی دستگاه حکومتی بهانه ای شد تا با هنرنمایی حضرت زهرا سلام الله علیها جریان غصب فدک از یک مساله حقوقی به یک مساله اعتقادی تبدیل شود. آن حضرت باخطبه خوانی و احتجاجات خود در طی چند مرحله نفاق، انکار آیات، دروغگویی و غاصب بودن دستگاه حاکمیتی را بر همگان آشکار کردند و بدین وسیله عدم صلاحیت آنها را جهت تصدی امر حکومت روشن کردند.

در این قسمت به بخش های کلیدی و مهم از احتجاجات فاطمی اشاره می کنیم.

اثبات دروغگویی و کفر

حضرت زهرا سلام الله علیها در بخشی از احتجاج خود ابوبکر اینگونه مورد خطاب قرار دادند و بعد از گرفتن اقرار های گوناگون کفر و دروغگویی او را ثابت کردند:

فَقَالَ: أَنْشِدُكُمْ بِاللَّهِ أَمَا سَمِعْتُمْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ:

إِنَّ ابْنَتِي سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ؟. قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَمْ، قَدْ سَمِعْنَاهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

قَالَتْ: أَفَسَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ تَدَّعِي الْبَاطِلَ وَتَأْخُذُ مَا لَيْسَ لَهَا؟!

أَرَأَيْتُمْ لَوْ أَنَّ أَرْبَعَةَ شَهِدُوا عَلَى بِفَاحِشَةٍ أَوْ رَجُلَانِ بِسَرَقَةٍ أَكُنْتُمْ مُصَدِّقِينَ عَلَيَّ؟!. فَأَمَّا أَبُو بَكْرٍ فَسَكَتَ، وَ أَمَّا

عُمَرُ فَقَالَ: وَ نُوْقِعُ عَلَيْكَ الْحَدَّ.

^{۵۳} نام کتاب: کتاب سلیم بن قیس نویسنده: الأنصاری، محمد باقر جلد: ۱ صفحه: ۳۹۲

بعد از اقرار عمر مبنی بر جاری کردن حد شرعی بر فاطمه زهرا سلام الله علیها این پاسخ قاطع را از آن حضرت

دریافت کرد:

فَقَالَتْ: كَذَبْتَ وَلَوْ مُتَ، إِلَّا أَنْ تُقَرَّرَ أَنَّكَ لَسْتَ عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

آنکس که شهادت علیه حضرت زهرا و اقامه حد بر او را جایز بداند کافر و ملعون است :

إِنَّ الَّذِي يَجِيزُ عَلَى سَيِّدَةِ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ شَهَادَةً أَوْ يَقِيمُ عَلَيْهَا حَدًّا لَمَلْعُونٌ كَافِرٌ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

فاطمه زهرا سلام اله علیها این ادعای خود را با استناد به آیه تطهیر مدلل کردند و فرمودند

إِنَّ مَنْ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا، لَا يَجُوزُ عَلَيْهِمْ شَهَادَةٌ، لِأَنَّهُمْ مَعْصُومُونَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ، مُطَهَّرُونَ مِنْ كُلِّ فَاحِشَةٍ، حَدَّثَنِي عَنْ أَهْلِ هَذِهِ الْآيَةِ، لَوْ أَنَّ قَوْمًا شَهِدُوا عَلَيْهِمْ أَوْ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ بِشِرْكَ أَوْ كُفْرٍ أَوْ فَاحِشَةٍ كَانَ الْمُسْلِمُونَ يَتَبَرَّءُونَ مِنْهُمْ وَيَحْدُونَهُمْ؟. قَالَ: نَعَمْ، وَمَا هُمْ وَسَائِرُ النَّاسِ فِي ذَلِكَ إِلَّا سَوَاءٌ. قَالَتْ: كَذَبْتَ وَكَفَرْتَ، لِأَنَّ اللَّهَ عَصَمَهُمْ وَأَنْزَلَ عِصْمَتَهُمْ وَتَطَهَّرَهُمْ وَأَذْهَبَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ، فَمَنْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ يَكْذِبُ اللَّهَ وَرَسُولَهُ.

فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: أَقْسَمْتُ عَلَيْكَ - يَا عُمَرُ - لَمَّا سَكَتَ^{۵۴}

^{۵۴} بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۳۰، ص: ۳۰۶

اثبات کفر ابوبکر

علاوه بر فاطمه زهرا سلام الله عليه امير المومنين عليه السلام نیز بار دیگر با استناد به آیه تطهیر کفر غاصبین را ثابت نموده به گونه ای که مردم از احتجاج آن حضرت به گریه افتادند.

فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا أَبَا بَكْرٍ تَقْرَأُ كِتَابَ اللَّهِ قَالَ نَعَمْ - قَالَ فَأَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا فِيمَنْ نَزَلَتْ أَفِينَا أَمْ فِي غَيْرِنَا قَالَ بَلْ فِيكُمْ - قَالَ فَلَوْ أَنَّ شَاهِدَيْنِ شَهِدَا عَلَى فَاطِمَةَ بِفَاحِشَةٍ - مَا كُنْتَ صَانِعًا قَالَتْ كُنْتُ أَقِيمُ عَلَيْهَا الْحَدَّ - كَمَا أَقِيمُ عَلَى سَائِرِ الْمُسْلِمِينَ

منکر عصمت فاطمه سلام الله عليها کافر است:

قَالَ كُنْتُ إِذَا عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْكَافِرِينَ، قَالَ: وَلَمْ قَالَ: لِأَنَّكَ رَدَدْتَ شَهَادَةَ اللَّهِ لَهَا بِالطَّهَارَةِ - وَقَبِلْتَ شَهَادَةَ النَّاسِ عَلَيْهَا - كَمَا رَدَدْتَ حُكْمَ اللَّهِ وَحُكْمَ رَسُولِهِ أَنْ جَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَهَا فَدَكَ وَقَبَضَتْهُ فِي حَيَاتِهِ - ثُمَّ قَبِلْتَ شَهَادَةَ أَغْرَابِي بَائِلٍ عَلَى عَقِبِهِ عَلَيْهَا - فَأَخَذْتَ مِنْهَا فَدَكَ وَزَعَمْتَ أَنَّهُ فِي الْمُسْلِمِينَ وَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْبَيِّنَةُ عَلَى مَنْ ادَّعَى - وَالْيَمِينُ عَلَى مَنْ ادَّعَى عَلَيْهِ، قَالَ: فَدَمَدَمَ النَّاسُ وَبَكَى بَعْضُهُمْ فَقَالُوا صَدَقَ وَاللَّهِ عَلَى وَرَجَعَ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مَنْزِلِهِ.^{٥٥}

نفرین حضرت زهرا و امیر المومنین علیهما السلام:

یکی دیگر از اقدامات حضرت زهرا سلام الله عليها در جهت احقاق حق خود اقامه شهود بود ولی از آنجا که دستگاه حاکمیتی کمر به ستاندن حق مسلم فاطمه زهرا سلام الله عليها بسته بود با بهانه های بسیار واهی این بارهم شهادت شاهدان آن بانوی بزرگوار را نپذیرفت.

^{٥٥} تفسیر القمی، ج ۲، ص: ۱۵۷

اینجا بود که ابوبکر مورد نفرین امیر المومنین و فاطمه سلام الله علیها قرار گرفت و جلسه پایان یافت.

توجه شما را به قسمتی از این واقعه تاریخی جلب میکنم:

قبول نکردن شهادت شاهدان حضرت زهرا سلام الله علیها و نفرین آن حضرت

قَالَ عُمَرُ: أَنْتُمْ كَمَا وَصَفْتُمْ أَنْفُسَكُمْ، وَلَكِنْ شَهَادَةُ الْجَارِّ إِلَى نَفْسِهِ لَا تُقْبَلُ. فَقَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا كُنَّا كَمَا نَحْنُ كَمَا تَعْرِفُونَ وَلَا تُتَكْرَوْنَ، وَشَهَادَتُنَا لَا نُنْفِسُنَا لَا تُقْبَلُ، وَشَهَادَةُ رَسُولِ اللَّهِ لَا تُقْبَلُ، فَ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ، إِذَا ادَّعَيْنَا لِأَنْفُسِنَا تَسْأَلُنَا الْبَيِّنَةَ؟! فَمَا مِنْ مُعِينٍ يَعِينُ، وَقَدْ وَثَبْتُمْ عَلَى سُلْطَانِ اللَّهِ وَ سُلْطَانِ رَسُولِهِ، فَأَخْرَجْتُمُوهُ مِنْ بَيْتِهِ إِلَى بَيْتٍ غَيْرِهِ مِنْ غَيْرِ بَيِّنَةٍ وَلَا حُجَّةٍ: وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَى مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ.

ثُمَّ قَالَ لِفَاطِمَةَ:

انْصَرِفِي حَتَّى يَحْكَمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ^{۵۶}

روشن شدن حقیقت برای مردم:

نهایت روشنگری های حضرت زهرا و امیر المومنین علیهما السلام نتیجه داد و مردمی که تماشاگر این واقعه بودند

همگی رای به صداقت آن دو بزرگوار دادند و این گواهی را با اشک خود امضا کردند.

قَالَ: فَدَمَدَ النَّاسُ وَبَكَى بَعْضُهُمْ فَقَالُوا صَدَقَ وَاللَّهِ عَلَى وَ رَجَعَ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مَنْزِلِهِ.^{۵۷}

^{۵۶} بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۹، ص: ۱۹۹

ایراد خطبه فدکیه :

خطبه فدکیه خود به تنهایی کافی است برای رسوایی منافقین و دستگاه حاکمیتی . امتیاز این خطبه آن است که شیعه و سنی بر صدور این خطبه از یگانه دختر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله اتفاق دارند . حتی قدیمی ترین سند این خطبه مربوط به کتاب بلاغات النساء تألیف أحمد بن طیفور از علمای اهل سنت میباشد که با ۳ سند این خطبه را نقل میکنند.

مفاهیم بلند همراه با بلاغت و فصاحت بی نظیر این خطبه موجب شده تا توجه همه ی عالمان و فصیحان روزگار را به خود جلب کند و نگذارد این اثر با ارزش دست خوش فراموشی یا تحریف قرار بگیرد.

آنچه برای ما بیش از هر چیزی اهمیت دارد این است که این خطبه به شرح وقایع پیش آمده بعد از شهادت رسول خدا از جمله غصب خلافت میپردازد و بر تقابل جدی اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله که مصداق آیه تطهیر میباشند با دستگاه حاکمیتی گواهی میدهد.

روشن ترین مسئله ای که این خطبه به همگان القاء میکند شکایت و غضب فاطمه زهرا سلام الله علیها از دستگاه حاکمیتی میباشد که ما در این نوشتار در جستجوی آن هستیم

اما علاوه بر روح خطبه که سراسر شکایت و گلایه است تصریح بخش هایی از خطبه بر منافق بودن ، گمراه و باطل بودن دستگاه حاکمیتی بسیار حائز اهمیت میباشد که ما تنها به برخی از آنها اشاره میکنیم:

اشاراتی از خطبه:

فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ اَنْبِيَائِهِ وَ مَأْوَى اَصْفِيَائِهِ...^{۵۸}

^{۵۸} العلامة المجلسی ، بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث ج : ۲۹ ص : ۲۷۱

منافق بودن :

ظَهَرَ فِيكُمْ حَسَكَةُ النَّفَاقِ، وَ سَمَلَ جِلْبَابُ الدِّينِ

گمراه بودن :

وَ نَطَقَ كَاظِمُ الْغَاوِينَ

باطل بودن:

وَ هَدَرَ فَنِيْقُ الْمُبْطِلِينَ

اجابت دعوت شیطان:

وَ أَطْلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ، هَاتِفًا بِكُمْ، فَأَلْفَاكُمْ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ

کنار گذاشتن احکام و دتورات خداوند:

.....كِتَابُ اللَّهِ بَيِّنَ أَظْهَرِكُمْ، أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ، وَ أَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ، وَ أَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ، وَ زَوَاجِرُهُ لَاطِحَةٌ، وَ أَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ،

وَ قَدْ خَلَقْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، أَرْغَبَةٌ عَنْهُ تُرِيدُونَ؟ أَمْ بِغَيْرِهِ تَحْكُمُونَ؟

ظالم خواندن آنها:

بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا، وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ، وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ.

ارتداد:

«وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ».

ایراد خطبه در جریان عیادت زنان مهاجر و انصار:

حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در مدت کوتاه عمر شریف خود بعد از شهادت پدر بزرگوارشان هیچ فرصتی را برای شناساندن حق و باطل از دست ندادند. او حتی یک جلسه عیادت و مهمانی زنانه را نیز به همین سمت جهت دهی کرد و حجت را بر زنان مهاجر و انصار در عیادتی که از حضرت زهرا سلام الله علیها داشتند تمام کرد.

آنجا که پرسیدند :

كَيْفَ أَصْبَحْتَ مِنْ عِلَّتِكَ يَا بَنَةَ رَسُولِ اللَّهِ؟

و حضرت همین سوال را بهانه ای قرار داده و شروع به خطبه خوانی کردند و بعد از حمد ثنای الهی و درود بر رسول

خدا فرمودند:

أَصْبَحْتُ وَاللَّهِ عَائِفَةً لِدُنْيَاكُنَّ، قَالِيَةً لِرِجَالِكُنَّ، لَفَظْتُهُمْ بَعْدَ أَنْ عَجَمْتُهُمْ وَشَنَأْتُهُمْ بَعْدَ أَنْ سَبَرْتُهُمْ.

در همین چند جمله ی ابتدائی حرف آخر اول زده شد و حضرت زهرا سلام الله علیها و نهایت بغض و بیزاری خود

را از مردهای امت بیان نمودند.

در ادامه نیز حضرت به غصب خلافت از صاحب حقیقی آن یعنی امیر المومنین علیه السلام نیز اشاره نمودند تا محل

نزاع او با مردم مدینه کاملاً روشن شود. حضرت زهرا شدت غضب خود را از این ظلم آشکار اینگونه ابراز میکند:

«وَيَحْتُمُّ أُنِّي زَعَزَعُوهَا عَنْ رِوَاسِي الرِّسَالَةِ وَ قَوَاعِدِ النُّبُوَّةِ وَ الدَّلَالَةِ، وَ مَهِيْطِ الرُّوحِ الْأَمِينِ وَ الْمُطْلَعِينَ بِأُمُورِ

الدُّنْيَا وَ الدِّينِ (أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ).

وَ مَا الَّذِي نَقِمُوا مِنْ أَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام)؟

نَقَمُوا مِنْهُ وَاللَّهُ نَكِيرٌ سَنِيهِ، وَ قَلَّةٌ مُبَالَاةٌ بِحَتْفِهِ، وَ شِدَّةٌ وَطْأَتِهِ، وَ نَكَالٌ وَفَعْتِهِ، وَ تَنْمُرُهُ فِي ذَاتِ اللَّهِ...^{۵۹}

تلاش دستگاه حاکمیتی برای تطهیر خود:

تلاش دستگاه حاکمیتی جهت تطهیر خود بهترین گواه است بر پیروزی حضرت زهرا سلام الله علیها بر منافقین آنها که گمان نمیکردند فاطمه زهرا سلام الله علیها اینگونه پا به میدان نبرد نهد و با اقدامات خود زمینه رسوایی آنها را رقم بزنند. بعد از رسوایی اشکار در صدد شستشوی جنایات خود از صفحه تاریخ بر آمدند که البته تمام نقشه هایشان در این جهت جز رسوایی بیشتر ثمره ای نداشت.

بخشی از این اقدامات:

نقشه قتل امیرالمومنین علیه السلام :

احتجاجات امیرالمومنین و فاطمه زهرا سلام الله علیهما در جریان غصب فدک چنان ضربه ی مهلکی بر پیکره دستگاه حکومتی وارد کرد و برای آنها رسوایی به بار آورد که از بین رفتن تاج و تخت خود را مقابل چشمان خود میدیدند از این رو بدون معطلی بار دیگر تصمیم به حذف فیزیکی امیر المومنین علیه السلام کردند. این مطلب از گفتگوی ابوبکر با عمر کاملاً پیدا میشود آنجا که ابوبکر بعد از شکست در مقابل ادله قاطع امیر المومنین علیه السلام عمر را فرامیخواند و با او مشورت می کند:

فَرَجَعَ أَبُو بَكْرٍ إِلَى مَنْزِلِهِ - وَ بَعَثَ إِلَى عُمَرَ فَدَعَاهُ ثُمَّ قَالَ: أَمَا رَأَيْتَ مَجْلِسَ عَلِيٍّ مِنْ الْيَوْمِ، وَاللَّهِ لَإِنْ قَعَدَ مَقْعَدًا مِثْلَهُ لَيُفْسِدَنَّ أَمْرَنَا فَمَا الرَّأْيُ قَالَ عُمَرُ الرَّأْيُ أَنْ تَأْمُرَ بِقَتْلِهِ، قَالَ فَمَنْ يَقْتُلُهُ - قَالَ خَالِدُ بْنُ الْوَلِيدِ فَبَعَثْنَا إِلَى خَالِدٍ.....^{۶۰}

^{۵۹} العلامة المجلسی، بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، ج: ۴۳ ص: ۱۵۸

^{۶۰} تفسیر القمی، ج ۲، ص: ۱۵۹

نبش قبر:

صبح روز بعد از شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها منافقین که خود را برای تشیع و تدفین یگانه دختر پیغمبر اکرم آماده کرده بودند تا بتوانند در قالب این نقش، ظلم های روا داشته بر آن حضرت را از ذهن ها پاک سازند و وانمود کنند رابطه ای حسنه بین آنها و یگانه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله بر قرار بوده است، یکباره از تشیع شبانه و مخفیانه آن حضرت با خبر شدند.

عصبانیت دستگاه حاکمیتی آنجا شدت گرفت که متوجه شدند به سفارش خود آن حضرت اثری از قبر یگانه دختر رسول خدا در قبرستان وجود ندارد و بناست این قبر برای همیشه مخفی باقی بماند. منافقین که دستشان از هر چیزی کوتاه شده بود در یک اقدام ناشیانه و نامشروع اقدام به نبش قبر ان بانوی بزرگ کردند که این عمل قبیح با به میدان آمدن امیر المومنین علیه السلام به طور کلی خنثی شد. به گوشه ای از مستندات این واقعه تاریخی نیز اشاره میکنیم:

دستور ابوبکر به نبش قبر:

فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: هَاتُوا مِنْ ثِقَاتِ الْمُسْلِمِينَ مَنْ يَنْشُ هَذِهِ الْقُبُورَ حَتَّى تَجِدُوا قَبْرَهَا فَتُصَلِّي عَلَيْهَا وَتُزَوَّرَهَا^{۶۱}

اقدام عمر بر نبش قبر:

...وَقَالَ عُمَرُ دَعْ عَنْكَ هَذِهِ الِهِمَّةَ أَنَا أَمْضِي إِلَى الْمَقَابِرِ فَأَنْبُشُهَا حَتَّى أُصَلِّي عَلَيْهَا....^{۶۲}

...فَقَالَ عُمَرُ وَاللَّهِ لَقَدْ هَمَمْتُ بِنَبْشِهَا وَالصَّلَاةِ عَلَيْهَا...^{۶۳}

^{۶۱} بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۳۰، ص: ۳۵۰

^{۶۲} علل الشرائع، ج ۱، ص: ۱۸۹

^{۶۳} الاختصاص، النص، ص: ۱۸۵

صاحب ذوالفقار به میدان میاید:

فَبَلَغَ ذَلِكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَخَرَجَ مِنْ دَارِهِ مُغْضَبًا وَقَدْ احْمَرَّ وَجْهُهُ وَقَامَتْ عَيْنَاهُ وَدَرَّتْ أَوْدَاجُهَا،
وَعَلَى يَدِهِ قَبَاهُ الْأَصْفَرُ الَّذِي لَمْ يَكُنْ يَلْبَسُهُ إِلَّا فِي يَوْمِ كَرِيهَةٍ- يَتَوَكَّأُ عَلَى سَيْفِهِ ذِي الْفَقَارِ حَتَّى وَرَدَ الْبَقِيعَ، فَسَبَقَ
النَّاسَ النَّذِيرُ، فَقَالَ لَهُمْ: هَذَا عَلَى قَدْ أَقْبَلَ كَمَا تَرَوْنَ يَقْسِمُ بِاللَّهِ لَئِنْ بُحِثَ مِنْ هَذِهِ الْقُبُورِ حَجَرٌ وَاحِدٌ لَأَضَعَنَّ السَّيْفَ
عَلَى غَائِرِ هَذِهِ الْأُمَّةِ، فَوَلَّى الْقَوْمَ هَارِبِينَ قِطْعًا قِطْعًا.^{٦٤}

فَقَالَ عَلَى عَ أَمَا وَاللَّهِ مَا دَامَ قَلْبِي بَيْنَ جَوَانِحِي وَ ذُو الْفَقَارِ فِي يَدِي إِنَّكَ لَا تَصِلُ إِلَيَّ نَبَشِهَا فَأَنْتَ أَعْلَمُ فَقَالَ
أَبُو بَكْرٍ اذْهَبْ فَإِنَّهُ أَحَقُّ بِهَا مِنَّا وَ انْصَرَفَ النَّاسُ.^{٦٥}

فَقَالَ لَهُ عَلَى عَ وَاللَّهِ لَوْ ذَهَبَتْ تَرَوْمُ مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا وَ عَلِمْتُ أَنَّكَ لَا تَصِلُ إِلَيَّ ذَلِكَ حَتَّى يَنْدُرَ عَنْكَ الَّذِي فِيهِ
عَيْنَاكَ فَإِنِّي كُنْتُ لَا أَعَامِلُكَ إِلَّا بِالسَّيْفِ قَبْلَ أَنْ تَصِلَ إِلَيَّ شَيْءٌ مِنْ ذَلِكَ^{٦٦}

^{٦٤} بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ٣٠، ص: ٣٥٠

^{٦٥} الاختصاص، النص، ص: ١٨٥

^{٦٦} علل الشرائع، ج ١، ص: ١٨٩

نتیجه گیری:

از مجموع آنچه که گذشت روشن شد که تمام رفتار و گفتار حضرت زهرا سلام الله علیها در طی عمر کوتاه خود بعد از شهادت نبی اکرم صلی الله علیه و آله یکپارچه ندای مخالفت با منافقین و دستگاه حاکمیتی را سر میداد. او که به دنبال اثبات عدم مشروعیت جریان حاکم بر امت اسلام بود، تنها راه هدایت را برگشت امت به مسر ولایت و امامتی میدانست که رسول خدا در روز غدیر آن را به همگان معرفی نمود. مشروعیت جریان حاکم با سیل عظیم ظلم های وارد شده بر حضرت زهرا سلام الله علیها وعدم رضایت او به هیچ عنوان قابل جمع نیست. از این رو بر اساس مجموع عملکرد آن حضرت بعد از رسول خدا باید حکم کرد که راه فاطمه سلام الله علیها از راه جریان حاکم بعد از رسول خدا کاملاً جداست.

فهرست منابع:

۱. هلالی، سلیم بن قیس/وفات مؤلف: ۷۶ ق/محقق / مصحح: انصاری زنجانی خوئینی، محمد/ناشر: الهادی
مکان چاپ: ایران؛ قم / سال چاپ: ۱۴۰۵ ق
۲. مفید، محمد بن محمد /وفات: ۴۱۳ ق/الإختصاص /محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر و محرمی زرنندی، محمود /ناشر: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید/ مکان چاپ: ایران؛ قم /سال چاپ: ۱۴۱۳ ق
۳. قمی، علی بن ابراهیم /وفات قرن ۳ ق/ تفسیر القمی / محقق / مصحح: موسوی جزائری، طیب / ناشر: دار
الکتاب/ مکان چاپ: قم / سال چاپ: ۱۴۰۴ ق
۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی /تاریخ وفات: ۱۱۱۰ ق/ بحار الأنوار (ط- بیروت) /محقق / مصحح: جمعی
از محققان / زبان: عربی/ تعداد جلد: ۱۱۱ / ناشر: دار إحياء التراث العربی /مکان چاپ: بیروت /سال چاپ:
۱۴۰۳ ق
۵. علی بن یونس العاملی النباطی البیاضی المتوفی ۸۷۷ / الصراط المستقیم إلى مستحقى التقديم / صححه وحققه
وعلق علیه محمد الباقر البهودی /المکتبة المرتضویة / مطبعة الحیدری
۶. خصیبی، حسین بن حمدان / الهدایة الکبری/ وفات: ۳۳۴ ق / عربی / ۱ جلد /ناشر: البلاغ / چاپ: بیروت /
سال چاپ: ۱۴۱۹ ق

٧. ابن بابويه، محمد بن علي/ وفات: ٣٨١ ق / علل الشرائع / زبان: عربي / تعداد جلد: ٢ / ناشر: كتاب فروشي

داوری / مکان چاپ: قم / سال چاپ: ١٣٨٥ ش / ١٩٦٦ م / نوبت چاپ: اول

٨. بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله / عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال

وفات: قرن ١٢ محقق / مصحح: موحد ابطحي اصفهانی، محمد باقر / مؤسسة الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه

الشریف

٩. أبي الحسن علي بن عيسى بن أبي الفتح الاربلي / كشف الغمة في معرفة الائمة / المتوفى سنة ٦٩٣ هـ / دار الاضواء

بيروت * لبنان الموسوي الهندي، السيد ناصر حسين ، افحام الأعداء والخصوم

١٠. ابن أبي جمهور / عوالي اللئالي العزيزية في الاحاديث الدينية / تاريخ وفات: ٩٠١ ق / محقق / مصحح: عراقی،

مجتبى زبان: عربي / تعداد جلد: ٤ / ناشر: دار سيد الشهداء للنشر / مكان چاپ: قم / سال چاپ: ١٤٠٥ ق

١١. أبو القاسم الطبراني (المتوفى: ٣٦٠ هـ) / المعجم الكبير / المحقق: حمدي بن عبد المجيد السلفي / دار النشر:

مكتبة ابن تيمية - القاهرة / الطبعة: الثانية / عدد الأجزاء: ٢٥

١٢. أبو الحسن علي بن الحسين بن علي الهذلي المسعودي / المتوفى سنة ٣٤٦ / اثبات الوصية للإمام علي بن أبي

طالب

١٣. صلاح الدين خليل بن أيبك بن عبد الله الصفدى (ت ٧٦٤هـ) / الوافى بالوفيات / المحقق: أحمد الأرناؤوط

وتركى مصطفى / الناشر: دار إحياء التراث - بيروت / عام النشر: ١٤٢٠هـ - ٢٠٠٠م / عدد الأجزاء: ٢٩

١٤. شمس الدين الذهبي (ت ٧٤٨هـ) / ميزان الاعتدال فى نقد الرجال / تحقيق: على محمد البجاوى

الناشر: دار المعرفة للطباعة والنشر، بيروت - لبنان / الطبعة: الأولى، ١٣٨٢ هـ - ١٩٦٣ م / عدد الأجزاء: ٤

١٥. بابن عبد ربه الأندلسى (المتوفى: ٣٢٨هـ) / عقد الفريد / الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت / الطبعة: الأولى،

١٤٠٤ هـ عدد الأجزاء: ٨

١٦. بلاذرى / الانساب الاشراف / تحقيق: سهيل زكار ورياض الزركلى / الناشر: دار الفكر - بيروت / الطبعة: الأولى،

١٤١٧ هـ - ١٩٩٦ م / عدد الأجزاء: ١٣

١٧. محمد بن إسماعيل أبو عبد الله البخارى الجعفى / صحيح البخارى / المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر

الناشر: دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي)

١٨. أبو القاسم الطبرانى (المتوفى: ٣٦٠هـ) / المعجم الكبير / المحقق: حمدى بن عبد المجيد السلفى

دار النشر: مكتبة ابن تيمية - القاهرة / الطبعة: الثانية / عدد الأجزاء: ٢٥

١٩. مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري (المتوفى: ٢٦١هـ) / المسند الصحيح المختصر بنقل العدل
عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم / المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي / الناشر: دار إحياء التراث العربي
- بيروت عدد الأجزاء: ٥

٢٠. ابن أبي الحديد / شرح نهج البلاغة / ناشر: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي (ره)

٢١. ابن قتيبة الدينوري / الامامة والسياسة (ط بيروت)

٢٢. المسعودي ، مروج الذهب ومعادن الجوهر